

«سر آمد» منتشر کرد؛

پیامدهای جنگ بلندمدت در زیر ساخت های انرژی خلیج فارس

روبه‌رو شده است.

شکل گیری ائتلاف‌های جدید انرژی از جمله ائتلاف ایران، روسیه و چین در برابر غرب و خارج از نفوذ آمریکا با توجه به جنگ اخیر، بسیار محتمل است؛ شکل گیری چنین ائتلاف‌هایی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

همکاری میان ایران، روسیه و چین، محصول خاصه‌های اخیر آمریکا و اسرائیل نیست. در واقع، مواضع غیر متعارف آمریکا و برخی کشورهای اروپایی علیه ایران در طول چند دهه گذشته، شکل گیری و تقویت چنین ائتلافی را ناگزیر کرده است. طبیعی است تا زمانی که این تقابل‌ها و خصوصاً ادامه داشته باشد، این همکاری‌ها نیز استمرار خواهد یافت و حتی ممکن است کشورهای جدیدی نیز به این مجموعه بپیوندند.

درباره اهمیت این ائتلاف میان ایران، روسیه و چین، باید توجه داشت که این همکاری که اکنون چندین دهه از شکل گیری آن می‌گذرد، مجموعه‌ای از بازیگران اصلی بازار انرژی جهان را در بر می‌گیرد. روسیه به‌عنوان دومین تولیدکننده بزرگ نفت جهان، چین به‌عنوان دومین مصرف‌کننده بزرگ نفت و در عین حال بزرگ‌ترین واردکننده نفت خام دنیا و ایران، که بیش از اعمال تحریم‌های غیر عادلانه در جایگاه چهارمین تولیدکننده نفت جهان قرار داشت، هریک نقش تعیین‌کننده‌ای در معادلات انرژی دارند.

بنابراین، اگر جایگاه تولید، مصرف و تجارت انرژی این کشورها را در کنار یکدیگر در نظر بگیریم، این ائتلاف نه‌تنها در شرایط کنونی، بلکه در آینده نیز از جایگاهی مهم و اثر گذار در بازار جهانی انرژی، به‌ویژه در حوزه نفت، گاز و فرآورده‌های مرتبط با آن‌ها، به‌بخوردار خواهد بود.

آیا بسته‌شدن تنگه هرمز و حمله به زیرساخت‌های انرژی، هژمونی آمریکا بر بازار انرژی را که در چند دهه اخیر تثبیت شده بود به خطر نینداخته است؟

برتری طلبی و تسلط‌خواهی آمریکا بر بازار جهانی نفت و گاز، با جنگ تحمیلی سوم و حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران نه‌تنها تقویت نشد، بلکه با چالش‌های جدی روبه‌رو شد. دلیل اصلی این مسئله نیز ناکارآمدی اهدافی بود که آن‌ها در پی تحقق آن بودند؛ به‌ویژه پس از اقدام ایران در بستن تنگه هرمز. به عبارت دیگر، بسته‌شدن تنگه هرمز نشان داد که حتی محاصره دریایی غیرقانونی آمریکا نیز نتوانسته است اهداف موردنظر واشنگتن را محقق کند. رئیس‌جمهوری آمریکا نیز در سخنانی به‌صورت علنی به توقیف برخی نفتکش‌های ایرانی اشاره کرد؛ اقدامی که از نگاه بسیاری، شباهت زیادی به رفتار دزدان دریایی دارد. به نظر می‌رسد بسته‌شدن تنگه هرمز بیشترین ضرر را به سیاست برتری طلبی و تسلط آمریکا بر بازار جهانی انرژی وارد کرده است؛ به‌ویژه در بخشی از تجارت انرژی که از منطقه خلیج فارس به سایر نقاط جهان منتقل می‌شود.

از مهم‌ترین نشانه‌های این مسئله می‌توان به افزایش قیمت نفت، گاز، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی اشاره کرد. افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل دریایی، هوایی و زمینی نیز از دیگر پیامدهای این بحران بوده است. مجموعه‌ای این تحولات، نشانه‌ای آشکار از ناکارآمدی سیاست‌های سلطه‌جویانه آمریکا، چه در آغاز جنگ تحمیلی سوم و چه پس از آن در قالب محاصره دریایی غیرقانونی علیه ایران، به شمار می‌رود.

ذخایر راهبردی انرژی، از آغاز جنگ تحمیلی سوم، در پاسخ به افزایش جهانی قیمت نفت به‌مرور آزاد شده است؛ این کاهش در پاسخ به ناامنی ایجادشده در منطقه خاورمیانه انجام شده است؟ رهاسازی بخشی از ذخایر راهبردی نفت از سوی کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی، در واکنش به افزایش قیمت نفت خام پس از جنگ تحمیلی سوم و حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران انجام شد.

محدود ماندن جغرافیای نامنی انرژی به منطقه خلیج فارس و خاور میانه، تا حد زیادی به اقدام‌های بعدی آمریکا و اسرائیل

گروه نفت و انرژی – مرجان کریمی – جنگ تحمیلی سوم و تحولات پس از آن، فقط یک رویارویی نظامی محدود در منطقه نبود، بلکه به یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در معادلات انرژی جهان تبدیل شد. حمله به زیرساخت‌های انرژی، تهدید امنیت تنگه هرمز، افزایش بی‌سابقه نگرانی‌ها درباره امنیت عرضه نفت و گاز و واکنش بازیگران بزرگ جهانی، همگی نشان دادند که بازار انرژی جهان تا چه اندازه در برابر تنش‌های ژئوپلیتیکی آسیب‌پذیر است. حمله به زیرساخت‌های انرژی، تهدید امنیت تنگه هرمز، افزایش بی‌سابقه نگرانی‌ها درباره امنیت عرضه نفت و گاز نشان دادند که بازار انرژی جهان تا چه اندازه در برابر تنش‌های ژئوپلیتیکی آسیب‌پذیر است.

در این میان، پرسش‌های مهمی درباره آینده بازار جهانی نفت و گاز، نقش قدرت‌های بزرگ، جایگاه ائتلاف‌های نو ظهور انرژی، آینده اوپک، امنیت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفت و گاز و پیامدهای اقتصادی و محیط‌زیستی این بحران برای مردم جهان مطرح شده است.

حجت‌الله غنیمی فرد تحلیل گر ارشد انرژی و رئیس پیشین دپارتمان مطالعات نفتی اوپک در گفتگویی، این مسائل را از منظر تحولات اخیر منطقه، سیاست‌های آمریکا و متحدانش، نقش ایران در معادلات انرژی و آینده امنیت انرژی جهان بررسی کرده است؛ گفت‌وگویی که تلاش می‌کند ابعاد کمتر گفته‌شده بحران اخیر و تأثیر آن بر آینده اقتصاد و انرژی جهان را واکاوی کند.

پیامدهای بلندمدت حمله به زیرساخت‌های انرژی در منطقه خاورمیانه را چطور ارزیابی می‌کنید و این مسئله چه تأثیری در ساختار تجارت نفت و گاز در دنیا خواهد داشت؟

حملات اخیر به زیرساخت‌های انرژی، به‌ویژه در کشورهای حوزه خلیج فارس، در بلندمدت افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز و همچنین صنایع وابسته به آن‌ها، از جمله پتروشیمی را به دنبال خواهد داشت. اگرچه بازارهای نفت و گاز بیش از این نیز نمونه‌هایی از چنین حملاتی را، چه از منظر سیاسی و چه از منظر نظامی، تجربه کرده‌اند، اما رخدادهای اخیر ابعاد گسترده‌تری داشته است. پیش‌تر حملات نظامی ناتو با حمایت آمریکا علیه لیبی، سپس تحریم‌ها و فشارهای شدید سیاسی علیه صنایع نفت و گاز ونزوئلا، ایران و پس از آن روسیه، همگی نمونه‌هایی از این روند بودند.

نتیجه مشترک همه این تحولات، انتقال توجه و قدرت در بازار جهانی انرژی به سمت صنایع نفت و گاز آمریکا بوده است؛ به‌گونه‌ای که امروز آمریکا با تولید روزانه بیش از ۱۳ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه نفت، بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان به شمار می‌رود. پس از آن روسیه با حدود ۱۰ میلیون بشکه در روز، در جایگاه دوم قرار دارد و عربستان سعودی نیز با اندکی بیش از ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز در رتبه سوم ایستاده است.

این تغییر موازنه فقط به بخش نفت محدود نمانده است. در حوزه گاز نیز آمریکا با تولید روزانه بیش از یک میلیارد متر مکعب، به بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز جهان تبدیل شده است و روسیه و ایران در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. افزون‌براین، فشارهای سیاسی و تحریم‌ها علیه گاز روسیه، همراه با سیاست‌هایی که آمریکا در اروپا دنبال کرد، سبب شد ایالات‌متحده به بزرگ‌ترین صادرکننده آلان‌جی به کشورهای اروپایی تبدیل شود؛ درحالی‌که پیش از آن قطر این جایگاه را در اختیار داشت.

البته باید به این نکته نیز توجه کرد که عبور حدود ۲۰ درصد از نفت جهان از تنگه هرمز، اهمیت این گذرگاه راهبردی را دوچندان کرده است. بسته‌شدن تنگه هرمز در پی حملات نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران، بسیار سریع‌تر از سایر بحران‌های می‌تواند تعادل بازار جهانی نفت را برهم بزند. به همین دلیل، بسیاری از تحلیلگران معتقدند این بحران، بزرگ‌ترین بحرانی است که تاکنون بازار جهانی نفت با آن

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران:

مدیریت مصرف و بازسازی تأسیسات اولویت‌های اصلی صنعت گاز است



مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با «استثنایی» خواندن امسال برای صنعت گاز، از اولویت‌بندی دو محور «بازسازی زیرساخت‌ها و «مدیریت مصرف» خبر داد.

به گزارش اقتصادسراسرآمد، سعید توکلی در مراسم افتتاحیه پنجمین

جشنواره علمی – فرهنگی و هنری شهید سلیمانی به‌صورت ویدئوکنفرانسی برگزار شد، بیان کرد: هر اقدام درست و هدفمند همانند بذری است که کاشته می‌شود و در صورت پیگیری مستمر، به درختی ثمربخش تبدیل می‌شود که منافع آن به همه ذئی‌نفعان می‌رسد.وی با اشاره به روند برگزاری جشنواره شهید سلیمانی در سال‌های گذشته، افزود: مرور دستاوردهای ۴ دوره گذشته نشان می‌دهد شرکت ملی گاز ایران در ابعاد مختلف به بلوغ قابل توجهی رسیده است و انتظار می‌رود پنجمین دوره این جشنواره نیز با تمرکز بر خروجی‌های عملیاتی و قابل بهره‌برداری برگزار شود.مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران ۱۴۰۵ را سال «استثنایی» برای صنعت گاز دانست و تصریح کرد: هم‌زمان دو موضوع بازسازی و مدیریت مصرف و بهینه‌سازی، دو اولویت اساسی پیش روی شرکت ملی گاز ایران است که پیش از ورود به ماه‌های سرد سال باید با جدیت دنبال شود. توکلی با تأکید بر ضرورت پرهیز از نگاه شعاری در جشنواره گفت: هر محور تعریف‌شده باید دست‌کم یک خروجی مشخص و قابل استفاده داشته باشد؛ به‌ویژه در حوزه مدیریت مصرف که امسال از اولویت‌های اصلی شرکت است.



بستگی دارد؛ اینکه آن‌ها برای پشتیبانی از حملات احتمالی آینده علیه ایران، از چه مناطق دیگری در جهان که تولیدکننده انرژی هستند، استفاده خواهند کرد.

درنتیجه، سایر کشورهای تولیدکننده نفت و گاز نیز باید تلاش کنند خود را در برابر تطمیع‌های مالی یا فشارهای سیاسی آمریکا و اسرائیل مصون نگه دارند تا دامنه این ناامنی انرژی به مناطق آن‌ها نیز سرایت نکند.

افزایش نامنی در بازار انسرژی چگونه می‌تواند بر ترکیب مصرف سوخت در جهان و پیامدهای محیط‌زیستی آن اثر بگذارد؟

در صورت تداوم بلندمدت نامنی انرژی در منطقه خلیج فارس، به‌طور قطع امنیت انرژی برای همه مصرف‌کنندگان جهان با چالش روبه‌رو خواهد شد. هرچه این وضع ادامه پیدا کند، ابعاد این ناامنی نیز تشدید خواهد شد. زمانی که نامنی در بازار انرژی افزایش پیدا کند، همه کشورها، البته با شدت و ضعف متفاوت، با خسارات‌های اقتصادی و محیط‌زیستی گسترده روبه‌رو می‌شوند. برای مثال، روی آوردن دوباره به مصرف بیشتر زغال‌سنگ برای تولید برق، با استفاده از چوب برای گرمایش و پخت‌وپز در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، از پیامدهایی است که آثار مخرب محیط‌زیستی به همراه دارد و در کنار آن، خسارات‌های اقتصادی قابل توجهی نیز ایجاد می‌کند.

آیا کاهش نفوذ مستقیم آمریکا بر جریان‌های انرژی خاورمیانه، به معنی افزایش بی‌تابی بازار است یا ظهور سازوکارهای جدید توازن قوا؟

به نظر نمی‌رسد کاهش نفوذ مستقیم آمریکا بر جریان انرژی تولیدشده در منطقه خلیج فارس، به‌سرعت اتفاق بیفتد؛ زیرا جایگزینی تولید نفت و گاز این منطقه از طریق مسیر مناطق نفت‌خیز جهان، به‌آسانی و در کوتاه‌مدت ممکن نیست. البته افزایش قیمت نفت و گاز می‌تواند سبب افزایش سرمایه‌گذاری در کشورهایی شود که ذخایر عظیم انرژی دارند؛ از جمله ونزولا که بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد، یا برخی کشورهای دیگر در آمریکای لاتین و حتی خود آمریکا. این شرایط می‌تواند سرمایه‌گذاری در این کشورها را سودآورتر کند، اما تحقق چنین ظرفیتی زمان‌بر است و به‌سرعت قابل دستیابی نخواهد بود.

در یک محیط چندقطبی، نقش اوپک چگونه تغییر می‌کند؟ آیا این سازمان می‌تواند از یک نهاد مدیریت عرضه به یک بازیگر ژئوپلیتیک فعال‌تر تبدیل شود؟

به نظر نمی‌رسد تصمیمات اوپک فقط تحت تأثیر تغییرات مقطعی تولید نفت در کشورهای حوزه خلیج فارس قرار بگیرد. منظورم این است که اوپک در طول چند دهه گذشته نشان داده است که حتی در مقطعی که برخی اعضای آن اختلافات مستقیم و علنی با یکدیگر داشته‌اند، تلاش کرده است بیش از هر چیز به‌عنوان ارمی اقتصادی عمل کند، نه ابزاری سیاسی.

اوپک همواره سعی کرده وارد بازی‌های سیاسی میان اعضا یا رفتارهای سیاسی در عرصه بین‌المللی نشود و اگر هم در مواردی استثنا وارد چنین موضوعاتی شده، این ورود بسیار محدود بوده است. حتی خروج اخیر امارات متحده عربی از برخی سازوکارهای مرتبط با اوپک را نیز می‌توان در همین چهارچوب تحلیل کرد؛ اینکه این سازمان تمایل دارد نقش اقتصادی خود را حفظ کند، نه اینکه از جایگاهش به‌عنوان نوعی ابزار فشار سیاسی استفاده کند.

هدف اصلی اوپک، تنظیم متعادل بازار از منظر عرضه است؛ به‌گونه‌ای که قیمت‌ها نه آن‌قدر کاهش پیدا کند که تولیدکنندگان با زیان روبه‌رو شوند و نه آن‌قدر افزایش یابد که کشورهای مصرف‌کننده و مردم عادی متحمل خسارت‌های سنگین و جبران‌ناپذیر شوند. در واقع، اوپک همواره تلاش کرده است تعادلی ایجاد کند که هم برای عرضه‌کنندگان و هم برای مصرف‌کنندگان قابل قبول باشد.

آیا حمله مستقیم به یکی از بازیگران کلیدی انرژی و تهدید تنگه هرمز را باید شسوکی مقطعی به بازار دانست یا نقطه عطفی در ساختار ریسک سیستم انرژی جهانی؟

حمله به ایران و به دنبال آن، استفاده ایران از حق که تا آن زمان در ارتباط با تنگه هرمز از آن استفاده نکرده بود، همچنین پیامدهایی که این اقدام برای جهان به همراه داشت، نشان داد که این دوره را می‌توان نقطه عطفی در ارزیابی خطرهای مستقیم مرتبط با امنیت انرژی در جهان دانست.

اگر حمله به زیرساخت‌های انرژی به نوعی ابزار ژئوپلیتیک مشروع تبدیل شود، چه تأثیری بر سرمایه‌گذاری بلندمدت در پروژه‌های نفت، گاز و آلان‌جی خواهد داشت؟

حمله به زیرساخت‌های انرژی یک کشور، براساس توافقات و موازین شناخته‌شده بین‌المللی، اقدامی غیرقابل قبول تلقی شده و در بسیاری موارد در چهارچوب جنایات جنگی ارزیابی می‌شود. ادامه چنین حملاتی، چه از سوی آمریکا و اسرائیل و چه از سوی برخی بازیگران منطقه‌ای ازجمله امارات، که به گفته برخی گزارش‌ها یک روز پس از اعلام آتش‌بس، حمله‌ای به پالایشگاه لاوان ایران انجام داد، بی‌تردید بر روند سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز، به‌ویژه پروژه‌های آلان‌جی در منطقه خلیج فارس، تأثیر خواهد گذاشت.

طبیعی است که افزایش ناامنی، هم‌زبه اجرای پروژه‌ها را بالا می‌برد و سرمایه‌گذاران نیز برای بازگشت سرمایه خود، سود و تضمین‌های بیشتری مطالبه خواهند کرد. این وضعیت در نهایت به سود شرکت‌های بزرگ نفت و گاز و همچنین بانک‌ها و مؤسسات مالی تأمین‌کننده سرمایه تمام می‌شود، اما هزینه اصلی آن را مصرف‌کنندگان نهایی در سراسر جهان پرداخت خواهند کرد.

با توجه به افزایش هزینه تولید در بخش بالادستی نفت و گاز، این روند چه تأثیری بر قیمت نهایی انرژی و محصولات وابسته در جهان خواهد داشت و پیامد آن برای اقتصاد جهانی چیست؟

زمانی که هزینه تولید در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز افزایش یابد، قیمت نهایی محصولات نیز بالاتر خواهد رفت؛ از نفت و گاز گرفته تا محصولات پتروشیمی و سایر صنایع وابسته. در نتیجه، مردم عادی در کشورهای مختلف جهان ناچار خواهند بود هزینه بیشتری برای پیامدهای جنگ‌افروزی و تنش آفرینی کشورهایی که خود را مدعی دموکراسی معرفی می‌کنند، پرداخت کنند.

ادامه این روند می‌تواند رشد اقتصاد جهانی را نیز با محدودیت روبه‌رو کند و در صورت تشدید رفتارهای غیرمعقول و تداوم حملات نظامی، حتی زمینه‌ساز رکود اقتصادی در جهان شود. نخستین نشانه‌های چنین رکودی، بیکاری گسترده در کشورهای مختلف و افزایش فشار اقتصادی بر خانواده‌های عادی خواهد بود؛ خانواده‌هایی که هم به‌عنوان مصرف‌کننده با افزایش قیمت‌ها روبه‌رو می‌شوند و هم در بخش تولید و اشتغال، آسیب‌های مستقیم اقتصادی را تحمل خواهند کرد.



شنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۵ - سال دوازدهم - شماره ۲۵۰۶

انرژی

۵

نگاه

احیای تجهیز کلیدی دریایی در میدان مشترک فروزان



رئیس عملیات تولید منطقه خارک گفت: برای پشتیبانی از فعالیت‌های دریایی و آمادگی عملیاتی میدان مشترک فروزان، عملیات بازیابی، تعمیر و راه‌اندازی دوباره «بویه» مهار کششی‌ها انجام شد. به گزارش اقتصادسراسرآمد، محمد ضمیری رئیس عملیات تولید منطقه خارک گفت: برای پشتیبانی از فعالیت‌های دریایی و افزایش آمادگی عملیاتی میدان مشترک نفتی فروزان، عملیات بازیابی، تعمیر و راه‌اندازی دوباره بویه مهار کششی‌ها توسط تیم غواصی شرکت نفت فلات قاره ایران با موفقیت انجام شد.

ضمیری افزود: این بویه که به‌عنوان یکی از تجهیزات مهم لنگر گاهی برای پهلودهی و مهار شناورها استفاده می‌شود، به دلیل آسیب‌دیدگی و پارگی زنجیر مهار متصل به لنگر کف دریا، برای مدتی از سرویس خارج شده است و به‌صورت شناور در سطح آب باقی مانده بود.

وی اظهار کرد: با توجه به نیاز عملیاتی میدان نفتی فروزان و درخواست‌های مطرح شده برای بازگرداندن این تجهیز به چرخه بهره‌برداری، پس از انجام بازدیدها، بررسی‌های فنی و برنامه‌ریزی‌های لازم، عملیات اجرایی از ششم خرداد آغاز و هشتم خرداد ۱۴۰۵ با موفقیت پایان یافت.

رئیس عملیات تولید منطقه عملیاتی خارک ادامه داد: این عملیات با هماهنگی واحدهای مرتبط و به‌بهره‌گیری از شناور Ocean^۸ برای استفاده از جرثقیل شناور؛ همچنین شناور غواصی Shantia انجام شد.

ضمیری تأکید کرد: برنامه‌ریزی و انجام تعمیرات و راه‌اندازی دوباره دو بویه شناور مهار کششی‌ها در میدان نفتی ابودر نیز در حال اقدام است و به‌زودی ازسوی نیروهای توانمند منطقه عملیاتی خارک اجرایی خواهد شد.

امید قابضی، رئیس واحد غواصی منطقه خارک نیز گفت: در این پروژه، تیم غواصی، مسئولیت اجرای همه فعالیت‌های زیرسطحی و بخش عمده عملیات فنی روی آب را به عهده داشت. بازیابی و جابجایی بویه، انجام تعمیرات مورد نیاز، عملیات جوشکاری، نصب آند حفاظتی، تعویض و نصب متعلقات اتصال شامل شگل‌ها و آماده‌سازی نهایی تجهیز برای بازگشت به سرویس، از جمله اقدام‌های انجام شده در این عملیات مهم بود. بخشی از تجهیزات و متعلقات مورد نیاز نیز از امکانات موجود واحد غواصی منطقه تأمین و استفاده شد.

در پایان این عملیات، بویه مهار پس از انجام تعمیرات، نصب متعلقات جدید و انجام آزمون‌های عملیاتی لازم، با موفقیت در موقعیت طراحی شده مستقر و آماده بهره‌برداری دوباره با شناورهای عملیاتی منطقه در میدان نفتی فروزان شد.

اجرای موفق این پروژه ضمن رفع یکی از نیازهای عملیاتی میدان نفتی مشترک فروزان، سبب افزایش آمادگی عملیاتی منطقه، بهبود شرایط پهلودهی و مهار شناورها و جلوگیری از هزینه‌های ناشی از جایگزینی یا تداوم خروج تجهیز از سرویس شد.

این دستاورد حاصل برنامه‌ریزی دقیق، تجربه عملیاتی، توان فنی و تلاش شبانه‌روزی نیروهای متخصص واحد غواصی منطقه عملیاتی خارک با همکاری واحدهای پشتیبان و عملیاتی است و نمونه‌ای موفق از بهره‌گیری حداکثری از توانمندی‌های داخلی شرکت نفت فلات قاره ایران در اجرای پروژه‌های تخصصی دریایی به شمار می‌رود.

باشما هستیم

باتحلیل‌های اقتصادسرآمد

www.eghtesadsaramad.ir

تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۶۹۲۲۷

همراه: ۰۹۱۹۸۵۴۳۹۹۶